



جمال عبدالناصر در ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی کرد و قصد داشت ملت بزرگ مصر را مجدداً احیا کند

نگاهی به تاریخ منازعه میان اعراب و اسرائیل

وداع با اسلحه

«درست پس از شکست در جنگ شش روزه و متحمل شدن خساراتی که پیش از نبرد حتی در مخیله حکام عرب نمی‌گنجید، مواضع آنان بیانگر سه خط قرمز بسیار مهم و پررنگ بود که هم‌چنان بر رویشان پافشاری می‌شد؛ نه با اسرائیل مذاکره می‌کنیم، نه با او صلح خواهیم کرد و نه آن را به رسمیت خواهیم شناخت. البته روشن است که جنگ امروز نه تنها به چنین رویکردی ختم نشده بلکه کشورهای عربی منطقه را بیش از پیش به سوی پیمان‌سازی با رژیم، سوق داده است. بررسی تاریخ پر از چالش صلح و نزاع اعراب با اسرائیل به ما کمک می‌کند تا ماهیت قوانین حاکم بر روابط امروز منطقه را بهتر درک کنیم. یک بار قصه آرزوی دور و دراز استقلال امت عربی را از سر بشنویم و سپس به قضاوت و دعای آنان با اسلحه بنشینیم.»

← جنگ ۱۹۵۶، تهاجم سه‌گانه
← جمال وارد می‌شود

حدود ۱۲ سال پس از اولین جنگ اعراب با رژیم، مردی در مصر روی کار آمد که آرزوهای بزرگی در سر داشت. جمال عبدالناصر با ملی اعلام کردن کانال سوئز قصد داشت مصر را در حد یک بازیگر تراز جهانی بالا بیاورد و با خلق قدرت جغرافیایی جدید، رهبری امت عربی را به دست بگیرد. درست بلافاصله پس از اقدام جمال، سازمان ملل آن را با شرط اجازه عبور به کشورهای خارجی پذیرفت. در این شرایط بریتانیا و فرانسه که بزرگ‌ترین منتفعین انحصار کانال بودند با همکاری اسرائیل که می‌دانست در صورت ملی شدن آن، دریای سرخ را بر روی خود بسته خواهد دید، از طریق انعقاد یک پیمان سزی، حمله به خاک مصر را آغاز کردند. تهاجم با نفوذ نیروهای ارتش رژیم به شبه جزیره سینا و پیشروی آنان آغاز شد. انگلستان و فرانسه نیز چتربازان خود را در کنار کانال سوئز پیاده کردند. با وجود عقب‌نشینی ارتش مصر، نیروهای شبه‌نظامی بومی مقاومت بسیاری نشان دادند و حتی جنگ وارد فضای شهری شد. با دستور عبدالناصر کانال مسدود شد تا بحران به واقع تبدیل به یک مسئله جهانی شود. در نهایت با اینکه مصر در میدان شکست خورده تلقی می‌شد، منافع دو بازیگر قدرتمند دیگر بازی را برهم زد. آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، برای پایان دادن سلطه انگلیس و فرانسه بر دریای سرخ و کانال سوئز با حمایت از مصر، تجاوز سه‌گانه را محکوم اعلام کرد. خروشچف، رهبر شوروی، نیز فرانسه و بریتانیا را تهدید به حمله اتمی کرد. با عقب‌نشینی هر سه کشور مهاجم و ناکام ماندن آن‌ها از دستیابی به اهدافشان، دو اتفاق مهم افتاد. اول غروب نقش

← جنگ ۱۹۴۸، جنگ استقلال

اولین تلاش برای زنده نگاه داشتن عزت عربی این جنگ رسماً با پایان قیمومیت بریتانیا بر فلسطین در نیمه شب ۱۴ می سال ۱۹۴۸ آغاز شد. منشور استقلال اسرائیل در همین روز صادر شد و نیروهای ائتلاف عربی در سحر ۱۵ می وارد خاک فلسطین شدند. این نبرد که در حدود کمتر از یک سال جریان داشت، با وجود دستاوردهایی برای دولت‌های عربی، نتوانست روند مهاجرت و آوارگی فلسطینیان را متوقف کند؛ اما موجب شد آوارگان و نجات‌یافتگان از سلاح کشتار تازه تأسیس رژیم صهیونیستی بتوانند در مناطق فلسطینی تحت تصرف مصر و اردن ساکن شوند. ارتش عراق و اردن توانستند ارتفاعات مرکزی و بخش شرقی شهر بیت‌المقدس را تصرف کنند و مصر نیز نوار غزه را در اختیار گرفت. اما در نهایت با نفوذ ارتش اسرائیل به لبنان، هجوم به شبه جزیره سینا و محاصره نیروهای مصری در غزه، حملات اعراب نیز متوقف شد و کشورهای عربی که برای نابودی اسرائیل پا به میدان گذاشته بودند، در نهایت شکست را پذیرفتند.



هوایمای اسرائیلی در جنگ ۱۹۴۸

رهبران عربی با ادغام شدن در طرح آمریکایی سیاست‌زدایی از منطقه، دوست دارند با مسطح شدن هر چه بیشتر غرب آسیا تمام دشمنی‌های دیرین را فراموش کرده و حتی فلسطین را نیز به چنین سرنوشتی دچار کنند